

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

چکیده‌ای از بحث آیه اول

در جواب اول از استدلال به آیه شریفه «[يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ](#)»، عرض کردیم که این استدلال روی این مبنا است که ما بپذیریم «حذف المتعلق يدل علي العموم» که بگوییم متعلق حفظ در اینجا محذوف است و باید فروج خود را از هر چیزی حفظ کنند، و یکی از آن چیزها این است که نگذارند نطفه اجنبی در رحم آنها قرار بگیرد. عرض کردیم که این قاعده اساسی ندارد و حذف المتعلق يدل علي العموم از مشهوراتی است که لا اصل لها. در هر موردی باید ببینیم مناسبت حکم و موضوع چه چیز را اقتضا می‌کند تا از راه این قرینه، متعلق محذوف را پیدا کنیم.

جواب دوم از استدلال به آیه

جواب دوم این است که آیه شریفه که می‌گوید «[يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ](#)» به قرینه سیاق، که قبل از آن می‌گوید: «[قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ](#) [يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ](#)» □ مقصود حفظ الفرج من الغير است، یعنی در رابطه با غیر باید حفظ الفرج کنند و این حفظ، نسبت به نگاه غیر و مقاربت نامشروع غیر عمومیت دارد، و نباید بگذارند که غیر نسبت به این فروج دسترسی پیدا کنند.

اما آنجایی که خود زن کاری را انجام دهد مثلاً فرض کنید که اگر خودش بخواهد نطفه‌ای را در فرج قرار دهد، آیه شامل این نمی‌شود، «[يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ](#)» ظهور دارد در حفظ فرج من الغير. ما بحث می‌کنیم که آیا نطفه اجنبی را می‌توان در رحم اجنبیه قرار داد؟ یک مصداقش این است که دیگران با ابزار این کار را انجام دهند، اما یک مصداقش این است که زن بدون اینکه نامحرمی باشد خودش این کار را انجام دهد، که این آیه شامل این صورت نمی‌شود.

جواب سوم

جواب سوم: ما در ذیل این آیه شریفه یک روایاتی داریم که دلالت بر این دارد که در هر آیه‌ای در قرآن کلمه فرج آمده، مقصود زنا است إلا این آیه که مقصود نگاه است. «[قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ](#)* [قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ](#)» مقصود از فرج در این آیه نگاه به فرج است و «[يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ](#)» یعنی نگاه دیگران به این فرج.

روایات مفسر آیه

این روایات در چهار کتاب آمده است، روایت اول: مرحوم صدوق در من لا یحضره الفقیه نقل کرده است «قال سئل الصادق (ع) عن قول الله عز و جل قل للمؤمنین...، فقال کل ما کان فی کتاب الله تعالی من ذکر حفظ الفرج فهو من الزنا فانه للحفظ من عن ينظر اليه» که مراد از حفظ الفرج این است که زن کاری کند که دیگری به فرج او نگاه نکند. این روایت مرسله است. ما عرض کردیم که برخی علماء مثل شیخ بهائی و فاضل سبزواری در ذخیره المعاد، و حتی مرحوم شیخ بهائی در کتاب الحبل المتین، به جماعتی از اصولیین نسبت می‌دهد که گفته اند تمام مراسلات صدوق حجیت دارد. عرض کردیم خود شیخ بهائی طبق احصائی که کرده، من لا یحضره الفقیه 5600 یا 5900 روایت دارد که بیش از یک سوم آن مرسله است.

ما نمی‌توانیم مراسلات صدوق را کنار بگذاریم، و ادله اینهایی که گفته اند مراسلات صدوق اعتبار ندارد مناقشه دارد. و نتیجه‌ای که در آنجا گرفتیم این شد که مراسلات صدوق که به صورت قال و قطعی می‌گوید که امام صادق این را فرموده، حجیت دارد، این روایت هم همین طور است. حضرت فرموده «کل ما کان فی کتاب الله تعالی»؛ اینجا اولاً بعضی گفته اند ممکن است ادعا کنیم که این آیه شریفه انصراف به زنا دارد «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ بَغْضُضْنَ مِنْ أَنْصَارِهِنَّ وَبِحَفْظَنْ فُرُوجِهِنَّ» حفظ الفرج به این است که دیگری به فرج او تجاوز نکند و زنا نکند، بعد در این مسئله واقع می‌شوند که اگر در حفظ الفرج، زنا مراد است، زنا قرینه و منشا می‌خواهد و دلیلی پیدا نمی‌کنند.

برخی و کثیری از مفسرین اهل سنت گفته اند این «بِحَفْظَنْ فُرُوجِهِنَّ» یک عموم موسعی دارد، آیه هر چیزی را که با حفظ الفرج منافات دارد رد می‌کند و به این روایات توجهی نشده. در بین تفاسیر شیعه نیز در بعضی از تفاسیر به این روایات توجهی نشده. اما اگر ما اثبات کردیم که این روایات معتبر است چاره‌ای نداریم که آن را اخذ کنیم، و در اینجا به نحو قاعده کلی فرموده اند هر چه که در قرآن به عنوان حفظ الفرج است - که بعداً می‌خوانیم آیه 2، سوره مؤمنون است «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَفْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ»، - مقصود زنا است الا این آیه - 31 سوره نور - که مقصود نگاه است.

روایت دوم

روایت دوم را کلینی در کتاب کافی نقل کرده است به اسناد خودش «عن ابي عمرو الزبيري عن ابي عبدالله (ع) في حديث يذكر فيه ما فرض الله علي الجوارح قال»، آنچه که خداوند بر جوارح انسان واجب کرده، «و فرض علي البصر أن لا ينظر الي ما حرم الله عليه»، خدا بر چشم واجب کرده که به محرمات نگاه نکند، و آن يعرض عن ما نهى الله عنه مما لا يحل له و هو عمله و هو من الايمان، تا می‌رسد به این عبارت، «كل شيء في القرآن من حفظ الفرج فهو من الزنا الا هذه الآية يعني قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ بَغْضُضُوا مِنْ أَنْصَارِهِمْ وَبِحَفْظُوا فُرُوجَهُمْ و قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ بَغْضُضْنَ مِنْ أَنْصَارِهِنَّ» اینجا مقصود، نظر و نگاه است.

روایت سوم

روایت دیگر که معتبره ابو بصیر است «في تفسير علي بن ابراهيم عن ابي عبدالله (ع) كل آية في القرآن من ذكر الفرج فهو الزنا الا هذه الآية» که مقصود نظر است. البته راجع به تفسیر علی بن ابراهیم قمی بحث وجود دارد خود رجالی که در سند تفسیر علی بن ابراهیم است اشکالی ندارند، آنهایی که این تفسیر را نقل کرده اند اشکالی ندارند، اما معروف است که این کتاب را برخی شاگردانش جمع کرده اند که در کتب رجالی اسمی از آنها نیست.

بررسی سه روایت

روایت کلینی در کافی، بکر بن صالح رازی است که ضعیف است. اگر ما طبق آنچه که در نقد تفسیر علی بن ابراهیم آمده، بگوییم که چه کسی جمع آوری کرده و بخواهیم مناقشه کنیم و در سند کافی هم بخاطر بکر بن صالح رازی مناقشه کنیم، اما روایت من لا یحضر مشکلی ندارد و برای ما کافی است. و نتیجه این می شود که در آیه «يَحْفَظُنْ فُرُوجَهُنَّ» مراد، نظر است بر طبق این روایتی که خواندیم.

اگر پذیرفتیم که آیه شریفه «يَحْفَظُنْ فُرُوجَهُنَّ» مربوط به نظر است، برای ما روشن است که به اولویت قطعیه زنا را هم شامل می شود، یعنی اگر خداوند امر می کند که مومنات باید از نگاه غیر، حفظ الفرج کنند قطعاً زنا را هم به اولویت قطعیه شامل می شود. پس اولویت قطعیه در مورد لمس و زنا مسلم است، اما آیا می توانیم بگوییم ما نحن فیه هم که جعل نطفه غیر در رحم است، به اولویت قطعیه حرام است؟ نمی توان چنین چیزی را استنباط کرد. نمی توانیم بگوییم اگر زن نطفه غیر را در رحم خود قرار داد این به اولویت قطعیه حرام می شود.

نتیجه بررسی آیه اول

نتیجه این شد که این آیه اولی نمی تواند دلالت بر مدعی داشته باشد، و ما سه جواب در مورد آیه دادیم؛ یک: اینکه گفتیم حذف المتعلق یدل علی العموم باطل است و دلیلی بر این قاعده نداریم. دوم: گفتیم اصلاً آیه مربوط به حفظ الفرج من الغیر است و ربطی به این مدعی و ما نحن فیه ندارد. و سوم: گفتیم که اگر ما باشیم و روایاتی که در ذیل آیه آمده، استفاده می شود که مراد از حفظ الفرج، مراد نظر و نگاه است. و گفتیم اگر مراد نظر باشد، لمس و مقاربت را به دلالت اولویت قطعیه و مفهوم موافقت می فهمیم، اما شامل مدعی نمی شود.

آیه دوم

آیه دوم: آیه 5 سوره مؤمنون است «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ» إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مُؤْمِنِينَ * فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ». به صدر و ذیل این آیه شریفه هم بر حرمت این عمل استدلال کرده اند. مدعی این است که آیا می توان نطفه اجنبی را در رحم اجنبیه قرار داد یا نه؟